

بررسی فقهی و حقوقی ارث زن از شوهر

آیتا... دکتر سید محمد موسوی بجنوردی*

اکرم نوائی لواسانی**

چکیده

میراث زوجه از اموال غیرمنقول - عقار - از مسائل بحث‌انگیز فقهی است که اقوال مختلفی در این باره مطرح شده که در این مقاله بررسی می‌شود.

همچنین بررسی میراث زوجات متعدد و زوجه تنها وارث و نقد اقوال مختلف آن.

تفصیل میان زوجه فرزندان و بدون فرزند.

تفصیل میان رباع - زمین‌های مسکونی - و دیگر زمین‌ها.

ارث زوجه از حق خیار فسخ همچنین کیفیت‌گذاری ساختمان و درختان و نتیجه‌گیری از موارد یاد

شده بخش پایانی مقاله می‌باشد.

واژگان کلیدی

وارثت به فرض و قرابت - ارث زوجه - رباع - عقار - حق خیار - زوجه غیرذات ولد

* استاد دانشگاه تربیت‌معلم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

** کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.



مقدمه

وراثت بر دو نوع است

۱- وراثت به فرض

۲- وراثت به قرابت

سهم صاحبان ارث به فرض از ترکه معین است یعنی در قرآن مجید مشخص می‌باشد. مانند فرض یک‌دوم، یک‌چهارم، دوسوم و ...

اما صاحبان ارث به قرابت اشخاصی هستند که وراثت آنان تمام و یا قسمتی از ترکه متوفی بدون در نظر گرفتن نسبت معینی از ترکه.

ارث زوجین از همدیگر از مصادیق ارث به فرض محسوب می‌شود.

خداوند در آیه ۱۱ سوره نساء می‌فرماید: وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَوَلَدٌ فَانْكَاحُوا مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَوَلَدٌ فَانْكَاحُوا مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَوَلَدٌ فَانْكَاحُوا مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.

ترجمه: و برای شما شوهران نیمی از آنچه گذارده‌اند، همسران دائمی شماست اگر ایشان را فرزندی (خواه از شما یا غیر شما) نباشد پس اگر ایشان را فرزندی باشد برای شما یک‌چهارم است از آنچه زنان باز گذارده‌اند پس از انجام وصیتی که کرده‌اند وادای دین آنها و برای زنان (شوهردار خواه یکی یا بیشتر باشند) یک‌چهارم است از آنچه شوهران آنها گذارده‌اند اگر نبوده باشد برای شما فرزندی پس اگر باشد شما را فرزندی (خواه از آنها یا غیر ایشان) برای زنان یک‌هشتم است از آنچه باز گذارده‌اند پس از انجام وصیتی که کرده‌اند و ادای دین آنها.

پس: نصیب زن از ارث به عنوان همسر دو سهم است:

۱) سهم اصلی است در صورتی که از همسر متوفای او هیچ فرزندی باقی نمانده باشد.

۲) سهم ادنی است اگر از همسر متوفای خود فرزند داشته باشد.

زوج و زوجه بر همه طبقات وراثت داخل شده و حاجب حرمانی ندارند. بنابر روایتی عن ابی جعفر حضرت باقر(ع): ان الله تعالی أدخل الزوج و الزوجه علی جمیع اهل الموارث، فلم ینقصهما من الربع و الثمن.^۱

ترجمه: خداوند تعالی، زوج و زوجه را بر همه طبقات وراثت داخل نموده و هیچ یک از آنها نمی‌توانند سهم زوج و زوجه را از یک‌چهارم و یک‌هشتم کسر نمایند.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: فرقی نمی‌کند که فرزندی که زوج دارد، حاصل از نکاح دائم باشد یا نکاح منقطع.^۲

پس زوجین حاجب حرمان ندارند ولی اولاد میت می‌توانند حاجب نقصان آنها واقع شده و سهم



۱. حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۱۰.

۲. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۹۷.

آنها را از حد اعلی به اقل آن برسانند.

حال اگر زوج فرزند نداشته باشد ولی فرزند فرزند داشته باشد، باز هم وجود او باعث حرمان زوجه‌اش از سهم اعلی می‌شود خواه این فرزند فرزند دختر میت بوده باشد خواه فرزند پسر او. فقهای عامه معتقدند، فرزند فرزند در صورتی می‌تواند حاجب نقصان واقع شود که فرزند پسر متوفی بوده باشد. بنابراین فرزند دختر متوفی از او ارث نمی‌برد، همچنین باعث تقلیل سهم زوجه متوفی نمی‌شود.^۱

میراث زوجات متعدد از زوج

چنانچه متوفی بیش از یک همسر داشته باشد سهم الارث آنها طبق روایات بدین صورت می‌باشد: لایزاد الزوج علی النصف و لا ینقص من الربع، و لا تزاد المرأة علی الربع و لا تنقص من الثمن، و این کن اربعا^۱ أو دون ذلك فهن فیه سواء^۲ ...

سهم زوج از نصف بیشتر نمی‌شود و از ربع هم کمتر نمی‌شود و سهم زن (از شوهر) از ربع بیشتر نمی‌شود و از ثمن هم کمتر نمی‌شود و اگر چهار زوجه بودند، آنها در آن (ربع یا ثمن) مساوی هستند ... بنابراین اگر مردی بیش از یک همسر داشته باشد، چنانچه دارای فرزند باشد، یک‌هشتم ترکه‌اش میان همسرانش به طور مساوی تقسیم می‌شود و اگر فرزند نداشته باشد، یک‌چهارم اموالش همان‌گونه میان آنها تقسیم می‌شود.

قانون مدنی ماده ۹۴۲ بیان می‌دارد:

در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد، بین همه آنان بالسویه تقسیم می‌شود.

میراث زوجه تنها وارث

در شرایطی که زوجه وارث منحصر به فرد مرد باشد در تقسیم اموال و ترکه متوفی فقها قائل به چند قول شده‌اند:

۱- زوجه در این فرض، صرفاً نصیب یک‌چهارم خود را به ارث می‌برد و باقی به امام (ع) می‌رسد. ابوبصیر از امام باقر (ع) درباره مردی که فوت کرده و همسرش را به جا گذاشته، امام فرمود:

للمرأة الربع و ما بقی فللإمام.^۲

یک‌چهارم مال برای زن است و باقی برای امام.

روایت محمدبن مروان از امام باقر (ع):

۱. شیخ مفید، مغنیه، ص ۵۵۹.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب ۲ از ابواب میراث ازواج، ح ۱.

۳. همان، ج ۲۶، ص ۲۰۲، ح ۴.



لها الربع و يدفع الباقي الى الامام.^۱

یک چهارم مال برای زن است و باقی به امام داده می‌شود.

۲- همانند زوج که همه اموال را به ارث می‌برد، در چنین فرضی زوجه همه ترکه را صاحب می‌شود. معتبره ابوبصیر از امام صادق (ع):

فی امرأة ماتت و ترکت زوجها، قال: المال كله له، قلت فالرجل يموت و يترك امرأته، قال: المال لها،^۲

از امام صادق (ع) پرسیدم: زنی مُرد و شوهرش را به جا گذاشت، فرمود: همه مال برای اوست. پرسیدم: مردی می‌میرد و همسرش را به جا می‌گذارد، فرمود: همه مال برای او (زن) است. شیخ مفید در کتاب المقتنه می‌فرماید:

و اذا لم يوجد مع الزوج قريب و لانصيب للميت، ردّ باقی التركة علی الزوج.

چنانچه برای مورث غیر از ازواج، اعم از زوج به زوجه وارث سببی و نسبی دیگری نباشد، باقی ترکه به ازواج رد می‌شود.^۳

قول دوم ترجیح دارد زیرا علاوه بر روایت ابوبصیر روایت دیگری وجود دارد که صراحتاً این را بیان می‌دارد. در این روایت امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌فرماید که ایشان فرمودند:

«اذ كان وارث ممن له فريضة فهو احق بالمال»^۴

هرگاه وارث صاحب فرضی (برای مورث) وجود داشته باشد، او به مال مورد ارث، سزاوارتر است. زوجه از جمله وراثی است که فرض مشخصی از ارث برای او وجود دارد. در این صورت او به اموال مورث، محق‌تر است و نیز امام علی (ع) فرمودند:

«الامام وارث من لا وارث له»^۵

امام وارث کسی است که هیچ‌گونه وارثی نداشته باشد.

(لا- حرف نفی جنس می‌باشد) پس نمی‌توان گفت که متوفی بلا وارث است زیرا زوجه به نص قرآن کریم به عنوان وارث شناخته شده است. متعلقات ارث زوجه:

پیش از ورود به بحث توضیح سه عنوان که در متون فقهی و در روایات باب ارث فراوان به کار رفته است ضروری می‌باشد. «عقار» «رباع» «ضیاع»

• عقار و جمع آن عقارات به معنای اموالی است که اصل ثابتی داشته باشند. تعبیر اموال غیرمنقول، که در عرف حقوقی فارسی‌زبانان رایج است، معادل مناسبی برای عقار است.

۱. همان، ص ۲۰۲، ح ۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۰۳.

۳. المقتنه، ص ۶۹۱.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۱۸.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۵۴۸.



• رباع جمع ربع به معنای خانه و ملک مسکونی است و گاه به معنای - زمین خانه - به کار رفته که اخص معنای اول است.

• ضیاع جمع ضعیبه به معنای مزرعه و زمین کشاورزی است. گاه به معنای عام تر عقار و گاه به معنای حرفه و صنعت و شغل نیز به کار رفته است.

نزد فقهای ما چنین اجماع شده که زوجه از عین عقار و رباع و نه از قیمت آنها ارث نمی‌برد، فقط را نیز بر آن افزوده‌اند و بر این اساس، زوجه از همه زمین‌ها هیچ ارث نمی‌برد و فقط از قیمت درخت‌ها و ساختمان ارث می‌برد.

اختلاف نظر فقها در این مسئله در این است که آیا این حکم اختصاص دارد به زوجه‌ای که از مورث دارای فرزندی نیست، یا حکم عام بوده و شامل هر زوجه‌ای چه با فرزند و چه بی‌فرزند می‌شود؟ فقهای عامه بنابر ظاهر آیه شریفه «ولکم نصف ما ترک ازواجکم» و در مورد زوجه «ولهن الربع مما ترکتم...» قائل به این هستند که زوجه نیز همان‌گونه که زوج از جمیع ترکه زوجه ارث می‌برد، از زوج ارث می‌برد.^۱

اکثر فقهای امامیه معتقدند که این ظاهر قرآنی با روایات و اخباری که در این باب وارد شده، تخصیص خورده است.

به عبارت دیگر، اکثر فقهای امامیه به حرمان اجمالی زوجه اذعان دارند، منتهی دامنه و محدوده این محرومیت نزد آنان متفاوت است و دلیل این اختلاف نیز اخبار فراوان و مختلفی است که در این باره وارد شده است.

این جنید بیان می‌دارد: هرگاه ورثه، زوج یا زوجه و فرزند و پدر و مادر باشند، برای زوج یک‌چهارم و برای زوجه یک‌هشتم از همه ترکه منقول و غیرمنقول ارث می‌یابد و به هر یک از پدر و مادر یک‌ششم و باقی به فرزند می‌رسد.^۲ ایشان اصل حرمان زوجه را به کلی رد می‌کند.

قول دیگر بر این است که زوجه از زمین خانه ارث نمی‌برد - نه از عین و نه از قیمت. شیخ مفید: زوجه از زمین خانه - رباع - شوهر هیچ ارث نمی‌برد و از قیمت چوب و آجر و ساختمان و ابزار و آلات آن ارث می‌برد. این حکم مخصوص از جانب پیامبر (ص) و ائمه (ع) است. رباع عبارت است از خانه و مسکن و شامل باغ و زمین کشاورزی نمی‌شود.^۳ سید مرتضی در کتاب الانتصار آورده است.

از احکام اختصاصی فقه امامیه آن است که زوجه از رباع هیچ ارث نمی‌برد، بلکه به قیمت آن از ساختمان و ابزار و آلات آن و نه قیمت عرصه، حق او داده می‌شود.

۱. محمدین قدامه - المعنی - ج ۶ ص ۲۲۷.

۲. مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۳۴.

۳. مقنعه، ص ۶۸۷.



دیگر مذاهب فقهی با این حکم مخالف بوده و در حق ارث همسران تفاوتی میان زمین خانه و غیر آن قائل نیستند. رباع گرچه به زوجات داده نمی‌شود ولی قیمت آن برای ایشان محسوب می‌شود ... ممکن است وجه محرومیت زن از ارث رباع آن باشد که چه‌بسا او با دیگری ازدواج کند و کسی را ساکن این خانه کند که رقیب متوفی بوده یا به او غبطه و حسد می‌ورزیده و این بر اهل و عشیره متوفی گران باشد. محرومیت زن از ارث عین خانه با پرداخت قیمت آن به او به بهترین جبران شده است.^۱

شیخ طوسی در ارث زوجه ذات ولد و غیرذات ولد تفاوت قائل شده می‌فرماید:
زن از زمین شوهر خود ارث نمی‌برد، فقط قیمت مصالح ساختمان حساب می‌شود و سهم او از آن داده می‌شود و از اصل زمین چیزی به او نمی‌رسد.

برخی از فقهای ما قائلند که این حکم مخصوص زمین خانه است و شامل زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها نمی‌شود، ولی رأی اول در بیشتر روایات آمده و در مذهب روشن‌تر است. این حکم در صورتی است که زن فرزندی از مورث نداشته باشد، اما اگر دارای فرزندی از مورث باشد، حق او از همه اموال از جمله از زمین‌های کشاورزی و مسکونی و خانه‌ها پرداخت خواهد شد.^۲
محقق حلی در شرایع می‌نویسد:

هرگاه زوجه از مورث فرزندی داشته باشد، از همه ما ترک ارث می‌برد، و اگر دارای فرزندی از او نباشد، از زمین هیچ ارث نمی‌برد ولی از قیمت ساختمان‌ها سهم خود را می‌برد.^۳
شیخ صدوق نیز در الفقیه من لا یحضر الفقیه، میان زن دارای فرزند و زن بدون فرزند تفصیل داده و همانند شیخ طوسی حکم به ارث زن فرزندار از عین عقار کرده است.
از ظاهر عبارت او برمی‌آید که در مورد زن بی‌فرزند نیز مانند سید مرتضی قائل به ارث او از قیمت عقار است. همچنین او محرومیت زوجه از ارث را مختص به خانه و زمین‌های مسکونی می‌داند نه مطلق زمین، که قول ایشان در این مسئله اخص از همه اقوال است.^۴
او پس از نقل حدیث ابن ابی یعقور درباره ارث زوجه از زمین خانه همانند مرد، در حاشیه حدیث نگاهشته است:

این حکم در صورتی است که زن دارای فرزندی از مورث باشد، بنابراین اگر فرزندی از او نداشته باشد، از اصل خانه و زمین ارث نمی‌برد و فقط از قیمت آنها ارث می‌برد.

روایت ابن ابی عمیر از ابن اذینه نیز در تأیید این نظر است، در این روایت آمده:
اذا كان لهنّ و ولد أعطین من الرباع، اگر زنان دارای فرزند باشند از رباع ارث می‌برد.^۵
گروهی دیگر از فقها تفصیل میان زوجه دارای فرزند و بدون فرزند قائل نشده و حکم به محرومیت او

۱. الانتصار، ص ۵۸۵.

۲. النهایه، ص ۶۴۲.

۳. شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۸۳۵.

۴. سید محمود هاشمی شاهرودی، مقاله میراث زوجه از اموال غیرمنقول (۱).

۵. شیخ صدوق، الفقیه من لا یحضر، الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۲.



از ارث همه زمین‌ها می‌کند.

ابن ادریس در السرائر ذکر نموده: اما اگر زن از شوهر فرزندی داشته باشد، به نظر برخی از فقهای ما سهم ارث او از عین همه اموال داده می‌شود. این نظر شیخ صدوق است و مستند آن روایت شاذ و خبر واحدی است که البته موجب هیچ علم و عملی نخواهد بود.

شیخ طوسی نیز در کتاب نه‌پایه بر همین قول بوده ولی در کتاب استبصار از آن برگشته است. نظر شیخ طوسی در استبصار نزد من استوارتر است، زیرا تخصیص نیاز به ادله قوی و مستند شرعی دارد، در حالی که اجماع بر این است که زوجه از اصل زمین خانه هیچ ارث نمی‌برد، چه از مورث فرزندی داشته و چه نداشته باشد.

ظاهر قول شیخ مفید در مقنعه و سید مرتضی در انتصار نیز همین است.^۱

این سخن ابن ادریس که گفته شیخ طوسی در کتاب استبصار از نظر خود در کتاب نه‌پایه برگشته، درست نیست.

عبارت شیخ طوسی در استبصار دلالت بر رجوع او از نظر قبلی خود ندارد. شیخ فقط روایتی را نقل کرده که دلالت می‌کند بر ارث زوجه و زوج از همه ما ترک یکدیگر و به دنبال آن افزوده:^۲ این روایت، با روایات پیشین تنافی ندارد، زیرا اولاً: می‌توان آن را حمل بر تقیه کرد، چون همه مذاهب دیگر در این مسئله مخالف ما هستند و هیچ موافقی نداریم، در چنین مسئله‌ای البته تقیه جایز خواهد بود.

ثانیاً: طبق روایات پیشین، زنان از همه ما ترک شوهر به استثنای خاک زمین قریه‌ها و مزارع و منازل ارث می‌بردند، پس این خبر را به اخبار پیشین تخصیص می‌زنیم. شیخ صدوق این روایت را تأویل کرده و می‌گوید: زنان اگر فرزند نداشته باشند از هیچ‌یک از اشیای مذکور ارث نمی‌بردند و اگر فرزند داشته باشند از همه چیز ارث می‌برند و به روایت ابن اذینه استناد کرده که در آن آمده است:

فی النساء اذا كان لهن ولد أعطین من الرباع^۳

شیخ طوسی در کتاب تهذیب پس از نقل روایت ابن ابی یعفور که دلالت بر ارث بردن زن از همه ماترک شوهر دارد، می‌گوید: این روایت حمل بر آن می‌شود که اگر زن فرزندی از مورث داشته باشد از همه ترکه او چه عقار و چه غیر آن ارث می‌برد، روایت ابن اذینه نیز بر همین دلالت دارد^۴...

در واقع از مانند عبارات شیخ مفید در مقنعه و سید مرتضی در انتصار نیز که میان زوجه فرزندان و بی‌فرزند تفصیل نداده‌اند، اطلاق محرومیت زوجه از ارث زمین و نفی تفصیل مذکور به دست نمی‌آید، زیرا به احتمال قوی سخن ایشان ناظر به اصل مسئله بوده و به تفصیل گوناگون مسئله نظر نداشته‌اند

۱. السرائر، ج ۳، ص ۲۵۹.

۲. فقه اهل البیت، شماره ۴۹، ص ۱۱.

۳.

۴.



کلام ایشان نسبت به تفصیل مذکور ساکت بوده و دلالت به این ندارد که ایشان عدم تفصیل را پذیرفته‌اند.

همچنان که در برخی کتب فقهی پیشین مانند هدایه و مقنع شیخ صدوق و مراسم سلار و فقه القرآن راوندی نیز اصل این مسئله در باب ارث زوجه نیامده است، واضح است که سکوت ایشان از طرح این مسئله، دلالت بر نفی اصل محرومیت زوجه نزد ایشان ندارد. و نظر برخی فقهای متأخر که اطلاق محرومیت زوجه از ارث زمین را از هر دو ناحیه - هم از ناحیه زمین، چه مسکونی و چه زراعی و هم از ناحیه زوجه، چه با فرزند و چه بی‌فرزند - نزد فقهای پیشین اجماعی دانسته که به جز صدوق (ره) مخالفی نداشته است، نظر استواری نیست.^۱

شیخ مفید در کتاب المقنعه می‌فرماید:

زوجه از رباع زوج ارث نمی‌برد و قیمت چوب و آجر و بناء و آلات در آن به او داده می‌شود و این آن چیزی است که پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر آن نص آورده‌اند.^۲

محقق حلی می‌فرماید:

زوج از جمیع ترکه زن ارث می‌برد و همین‌طور زن، غیر از عقال.^۳

صاحب ریاض می‌نویسد: مقتضای اطلاق لفظ زوجه در عبارات فقها عدم فرق میان زوجه دارای فرزند و بدون فرزند است و این رأی قوی‌تر است، زیرا موافق با ظاهر سخن بسیاری از فقها مانند کلینی و مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی در استبصار حلی و ابن زهره، و موافق با صریح سخن ابن ادریس و گروهی از متأخران است.

در سرائر و نیز به نقل از کتاب خلاف، ادعای اجماع بر آن شده و اجماع حجت است.

افزون بر این، اطلاق بلکه عموم روایات گذشته که از صیغه جمع در پاره‌ای از آنها و ترک تفصیل درباره‌ای دیگر و عموم تعلیل و بیان حکمت در دسته‌ای دیگر فهمیده می‌شود نیز مؤید این معناست. برخلاف شیخ صدوق و بیشتر متأخران که حکم محرومیت زوجه از ارث زمین را مختص زوجه بی‌فرزند دانسته‌اند.^۴

از دیگر افرادی که به این نظر معتقدند شیخ کلینی^۵ - ابن زهره^۶ - نجفی^۷ - شهید ثانی^۸ و از معاصرین امام خمینی^۹ - اراکی^{۱۰} - و ... می‌باشند.

۱. سید محمود هاشمی شاهرودی، مقاله میراث زوجه از اموال غیرمنقول، ص ۱۳-۱۲.

۲. المقنعه، ص ۶۸۷

۳. مختصر شرایع، ص ۲۷۲.

۴. ریاض المسائل، ج ۱۲، ص ۵۸۹.

۵. الفروع من الکافی، ج ۷، ص ۱۲۷.

۶. الغنیه، ص ۵۴۸.

۷. جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۱۲.

۸. الروضه البهیمه، ج ۸، ص ۱۷۶.

۹. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۹۷.

۱۰. توضیح المسائل، ۱۲۱۴.



دلیلی که این دسته از علماء به آن احتجاج می‌ورزند، روایاتی است که در باب محرومیت زوجه از برخی از اموال متوفی وارد شده است.

چرا که آنان بیان می‌دارند که این روایات به طور مطلق، زوجه را مورد حکم قرار داده‌اند و در هیچ‌یک از آنان تفصیلی قائل نشده و یا سخنی از معصوم (ع) رانده نشده است که بتوان از آن تفصیل زوجه را به ذات ولد و غیر آن استنباط کرد، غیر از روایت مقطوعه ابن اذینه که از نظر ایشان، آن فتوای خود او بوده و صلاحیت تخصیص زدن آن روایات هفده‌گانه را ندارد.^۱

بی‌هیچ شبهه‌ای، ظاهر آیات قرآن بر عدم محرومیت زوجه از عمار و ارث بردن او از یک‌چهارم یا یک‌هشتم تمام ترکه شوهر دلالت دارد. البته در قبال ظاهر آیات مجموعه‌ای از روایات که در آنها روایت صحیح نیز وجود دارد - دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عمار دارد.

شیوه بیان این روایات مختلف است؛ پاره‌ای از آنها دلالت بر حرمان زوجه از ارث عین ساختمان‌ها نیز دارد و براساس آنها زوجه فقط از قیمت ساختمان ارث می‌برد.

صاحب وسائل الشیعه این مجموعه را در هفده روایت گردآورده است. این روایات را برحسب دلالتشان می‌توان به چند دسته تقسیم کرد.

۱- ارث زوجه از جمیع ترکه به طور مطلق

ابن جنید اسکافی قائل به این قول می‌باشد که در عبارتی که منسوب به وی می‌باشد چنین آمده: و اذا دخل الزوج او الزوجه علی الولد و الابوین کان للزوج الربع و للزوجه الثمن من جمیع التركة عقاراً او اثاثاً و صامتاً و رقیقاً و غیر ذلك^۲ ...

چنانچه زوج یا زوجه بر فرزند و پدر و مادر داخل شوند، زوج یک‌چهارم و زوجه یک‌هشتم از جمیع ترکه اعم از زمین یا اثاث و حیوان و برده و غیر آن ... می‌برد.

۲- روایاتی است که ظاهرشان دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عمار و مطلق زمین دارد زراره و محمد بن مسلم - از امام باقر (ع) نقل می‌کنند:

النساء لا يرثن من الارض و لا من العقار شيئاً^۳
زنان از زمین و عمار هیچ ارث نمی‌برند.

روایتی دیگر از زراره از امام باقر (ع) نقل شده
لا ترث النساء من عقار الارض شيئاً^۴

زنان از عمار زمین هیچ ارث نمی‌برند.

کلینی از حمید بن زیاد ... از یکی از دو امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) نقل کرده است:

۱. سید محمد موسوی بجنوردی مقاله ارث زن از شوهر، ص ۱۴.

۲. حسینی عاملی، ج ۸، ص ۱۹۰ - علامه حلی - مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۳۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۰۷.

۴. همان، ص ۲۰۸.





لیس للنساء من الدور و العقار شیء^۱
 زنان از خانه‌ها و عقار بهره‌ای ندارند.

نقل شده امام باقر (ع) کتاب علی (ع) را خواست، فرزندش جعفر (ع) آن کتاب را که مانند ران مرد
 قطور بود آورد، در آن آمده بود:

ان النساء لیس لهن من عقار الرجل إذا توفی عنهن شیء، فقال ابو جعفر (ع): هذا و الله خط علی
 بیده و املاء رسول الله (ص).^۲

زنان از عقار مرد پس از مرگش هیچ بهره‌ای ندارند. سپس امام باقر (ع) فرمود: به خدا سوگند این
 دست خط علی (ع) و املائی پیامبر (ص) است.

۳- دسته دیگر، روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار و ضیاع و ارث بردن
 او از عین ساختمان دارد.

شیخ طوسی نقل می‌کند از محمد بن مسلم وزراره، از امام باقر (ع) نقل می‌کند:

ان النساء لایرثن من الدور و لا من الضیاع شیئاً، الا ان یکون أحدث بناءً فیرثن ذلك البناء^۳
 زنان از خانه‌ها و ضیاع - اراضی کشاورزی - هیچ ارث نمی‌برند، مگر آنکه ساختمانی احداث شده
 باشد که در این صورت از ساختمان ارث می‌برند.

کلینی از محمد بن مسلم نقل کرده است:

امام صادق (ع) فرمود: زن از آجرها ارث می‌برد و از رباع هیچ ارث نمی‌برد. محمد بن مسلم می‌گوید:
 پرسیدم: چگونه زن از فرع ارث می‌برد و از رباع [در کافی: از اصل] هیچ ارث نمی‌برد؟

امام فرمود: زن نسبی با مورث [در کافی: ورثه] ندارد که به واسطه آن ارث ببرد، زن فقط دخیل
 بر ورثه شده است، بنابراین از فرع ارث می‌برد و از اصل ارث نمی‌برد و هیچ‌کس به سبب نسبت داشتن
 با زن، جزو ورثه نمی‌شود.

۴- دسته چهارم روایاتی که تفصیل در ارث زوجه دارند. بر این اساس، زوجه از خانه‌ها و عقار و
 زمینها ارث نمی‌برد، ولی از قیمت ساختمان و آلات و مصالح ساختمانی ارث می‌برد. اکثر روایات میراث
 زن و شوهر در این دسته جای دارند.

کلینی نقل می‌کند از زراره از امام باقر (ع):

ان المرأة لا ترث مما ترک زوجها من القری و الدور و السلاح و الدواب شیئاً، و ترث من المال
 و الفرش و الثیاب و متاع البیت مما ترک، و تقوم النقص و الابواب و الجذوع و القصب فتعطی حقهها
 منه.^۴

۱. کافی، ج ۷، ص ۱۲۹، ح ۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۱۲ - باب ۱۶ از ابواب میراث الازواج، ج ۱۷.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۰۰ - استبصار، ج ۴، ص ۱۵۳.

۴. کافی، ج ۷، ص ۱۲۷، ح ۲.

زن از قریه‌ها و خانه‌ها و سلاح و چهارپایان شوهرش هیچ ارث نمی‌برد، و از مال و فرش و لباس‌ها و اثاث خانه ارث می‌برد. مصالح ساختمانی و درب‌ها و چوب‌ها و حصیرها قیمت شده و حق او از آنها داده می‌شود.

شیخ طوسی نیز همین حدیث را از امام صادق (ع) نقل می‌کند:^۱

کلینی در کافی از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) [و برخی از یکی از آن دو بزرگوار] نقل کرده است.

ان المرأة من ترکه زوجها من تره دار أو أرض، إلا أن یقوم الطوب و الخشب قیمه فتعطى ربعها أو ثمنها^۲

زن از خاک خانه یا زمین از میراث شوهر خود ارث نمی‌برد، مگر اینکه اجر و چوب قیمت می‌شود و یک‌چهارم یا یک‌هشتم که سهم زوجه است به او داده می‌شود.

باز کلینی از امام صادق (ع) نقل کرده است: زنان از زمین خانه‌ها هیچ ارث نمی‌برند، ولی ساختمان و آجرها قیمت شده و یک‌هشتم تا یک‌چهارم قیمت آنها به آنان پرداخت می‌شود. این حکم از آن‌روست که ممکن است زنان با شخص دیگری ازدواج کرده و میراث ورثه را بر آنان تباه سازند.^۳

شیخ صدوق (ره) در الفقیه به نقل از امام صادق (ع) می‌فرماید:

لایرث النساء من القعار شیئاً و لهنّ قیمه البناء و الشجر و التخل، یعنی بالبناء الدور و أما عنی من النساء الزوجه^۴.

زن از عقار هیچ ارث نمی‌برد و از قیمت ساختمان و درختان ارث می‌برند. مقصود امام (ع) از - بناء - خانه و از - نساء - زوجه است.

شیخ طوسی و شیخ صدوق هر دو با اسناد خود از محمدبن سنان نقل کرده‌اند که امام رضا (ع) ضمن پاسخ مسائل او نوشت: علت اینکه زن از عقار هیچ ارث نمی‌برد مگر از قیمت اجر و مصالح ساختمانی، این است که عقار تغییر نمی‌کند ولی زن ممکن است رابطه زوجیت میان او و شوهرش گسسته شود و تغییر و تبدیل او جایز است. اما پدر و فرزند چنین نیست و نسبت میان آنها گسست ندارد، در حالی که زن را می‌توان تبدیل کرد.

پس اگر تشابهی باشد، آنکه آمدنی و رفتنی است، میراث او نیز از اموال تغییر و تبدیل‌پذیر است، و آن که ثابت و مقیم است، میراث او نیز از اموال ثابت و مستقر است.^۵

اینها مجموعه‌ای بود از روایاتی که دلالت دارد بر محرومیت زوجه از ارث عقار و عین ساختمان

۱. استبصار، ج ۴، ص ۱۵۳، ح ۹.

۲. کافی، ج ۷، ص ۱۲۸، حدیث ۲ - وسائل الشیعه، جلد ۲۶، ص ۲۰۸.

۳. کافی، ج ۷، ص ۱۲۹، ح ۶.

۴. الفقیه من لا یحضر الفقیه، ج ۴، ص ۳۴۸.

۵. استبصار، ج ۴، ص ۱۵۳.

و ابزارآلات دارد.

ش روایاتی که دلالت بر عدم محرومیت زوجه به طور مطلق یا زوجه دارای فرزند از ارث عقار دارد. صحیحہ ابن ابی یعفرور از امام صادق (ع):

سألته عن الرجل هل يرث من دار امرأته أو أرضها من التربة شيئاً، أو يكون في ذلك بمنزلة المرأة فلا يرث من ذلك شيئاً؟ فقال: يرثها و ترثه من كل شيء ترك و تركت.^۱
از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا مرد از خاک خانه یا زمین همسرش چیزی ارث می‌برد یا مرد نیز همچون زن از خانه و زمین ارث نمی‌برد؟ امام (ع) فرمودند: مرد از همه ماترک زن و زن از همه ماترک مرد ارث می‌برد.

این روایت صریح است در ارث بردن زوجه از عقار شوهر.

شیخ صدوق از ابن ابی عمیر، از ابن اذینه نقل کرده است:

فی النساء اذ كان لهن ولد أعطین من الرباع.^۲

به زنانی که فرزند داشته باشند، از رباع داده می‌شود.

این روایت صریح است که زوجه اگر دارای فرزندی باشد از رباع ارث می‌برد. (یعنی عدم ارث زن بی‌فرزند از رباع).

برخی قائل شده‌اند که این سخن خود ابن اذینه است و او نگفته که آن را از معصوم نقل کرده است، شاید فتوا و نظر خود او بوده و محرز نیست که اصلاً روایت باشد. اما بسیار بعید است. بلکه شاید از اصحاب ائمه (ع) خصوصاً بزرگان آنها مانند ابن عمیر و ابن اذینه، معهود نیست که آراء و فتاوی خودشان را برای اصحابشان و راویان حدیث، روایت کنند ... و طبقات بعدی راویان نیز آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل کنند و در کتب حدیث ثبت شود تا به زمان شیخ صدوق و شیخ طوسی (ره) برسد بلکه اطمینان به خلاف این هست ... حتی ابن ادریس که نخستین فقیهی است که به صراحت با فتوای تفصیل مخالفت کرده، در اصالت این حدیث تشکیک نکرده و آن را سخن غیرمعصوم ندانسته است، فقط گفته خبر واحدی است که بر مینا و مختار او مقید علم نیست.

تشکیک در اصالت این روایت فقط از ناحیه فقهای بسیار متأخر صورت گرفته است.^۳

محقق حلی در شرایع چنین می‌فرماید:

اگر زوجه از متوفی فرزندی داشته باشد، از جمیع ترکه او ارث می‌برد و اگر نداشته باشد، از زمین چیزی نمی‌برد و حصه‌اش از قیمت آلات و ابنیه به او داده می‌شود.^۴ ...

ابن سعید حلی: هر وارثی از جمیع ترکه مورث ارث می‌برد به غیر از زوجه، اگر فرزندی نداشته باشد،

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۱۳ - ۲۱۲.

۲. الفقیه من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۴۹.

۳. فقه اهل البیت، شماره ۴۹، ص ۲۸.

۴. شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۳۴.



که او از زمین ارث نمی‌برد و از ماعدای آن ارث می‌برد ... و اگر میت فرزندی داشته باشد، مانند دیگر وراثت از همه چیز ارث می‌برد.^۱

این براج نیز می‌گوید:

زن اگر از زوجش فرزندی نداشته باشد و زوجش بمیرد، از زمین و خاک و مسکن و باغ، چیزی ارث نمی‌برد بلکه آلات و مصالح قیمت‌گذاری می‌شود و حق او از آن به او داده می‌شود ... پس اگر زن از متوفی فرزند داشته باشد، حق او از خود اشیاء مذکور به او داده می‌شود و از هیچ چیز منع نمی‌شود.^۲ عمده دلیلی که این گروه از فقها به آن استناد می‌ورزند، روایت مقطوعه ابن ابی عمیر از ابن اذینه است که عبارت آن این است: «فی النساء اذا كان لهن ولد، أعطین من الرباع»^۳ چنانچه زنان فرزند داشته باشند، از خانه و مسکن داده می‌شوند.

روایات فراوانی هم در باب محرومیت زوجه از برخی از اموال وارد شده که به طور مطلق زوجه را مورد حکم قرار داده و تفصیلی میان زوجه ذات ولد و غیر آن قائل نشده است. لذا این گروه از فقها در مقام جمع بین این گونه روایات و روایت ابن اذینه بر آمده‌اند و بیان داشته‌اند که آن اخبار مطلق، به واسطه روایت مذکور تقیید خورده و حمل بر زوجه غیر ذات ولد می‌شوند، به این معنی که چنانچه زوجه از متوفی فرزند نداشته باشد، از رباع و... محروم است.^۴ عر ششمین نظر قابل طرح در این بحث اینکه زوجه اگر دارای فرزند باشد از عین همه اموال منقول و غیر منقول ارث می‌برد.

به طور کلی می‌توان گفت، اجماع فقهای امامیه بر این واقع شده که زن غیرذات ولد، یعنی زنی که از شوهر متوفی خود فرزندی نداشته باشد، از عین زمین و خانه (نه قیمت آن) محروم است. ممکن است برخی در مورد اصل حرمان فی الجمله زوجه نیز اشکال کنند و معتقد باشند که آن نیز مورد اختلاف است و به عنوان شاهد بر ادعایشان از ابن جنید اسکافی یاد کنند که اصل حرمان زوجه را به کلی انکار و رد می‌کند ابن جنید در این باره چنین بیان می‌دارد:

چنانچه زوج یا زوجه به فرزند و پدر و مادر وارد شوند، برای زوج یک‌چهارم و برای زوجه یک‌هشتم از جمیع ترکه اعم از زمین، اثاث، حیوان، برده و غیر آن می‌باشد.^۵

پس در پاسخ به این سؤال که حکم به محرومیت اجمالی زن، شامل کدام زوجه است؟ باید گفت پس از بررسی و جستجو در آراء و نظریات فقها در می‌یابیم که عده زیادی از ایشان معتقدند که حرمان فی الجمله زوجه تنها در مورد زوجه‌ای که از همسر متوفایش فرزندی نداشته صادق است والا زنی که از شوهرش فرزند داشته از جمیع ترکه او ارث می‌برد. در مقابل جمعی نیز بر این عقیده‌اند

۱. الجامع للشرایع، ص ۵۰۸.

۲. المذهب، ج ۲، ص ۱۴۰.

۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۴۹ - شیخ طوسی، استبصار، ج ۴، ص ۱۵۵ و ...

۴. سید محمد موسوی بجنوری، مقاله، ارث زن از شوهر، ص ۱۱.

۵. مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۲۳۵.



که محرومیت مختص گروه خاصی از زنان نمی‌باشد و در واقع هر زوجه‌ای، چه ذات ولد بوده باشد و چه نباشد، مشمول حکم حرمان می‌باشد.^۱

شیخ صدوق بعد از نقل روایت ابن ابی یعفر در دلالت بر توارث زوجین از همه اموال یکدیگر، بیان داشته «این در صورتی است که زن از زوج متوفی، فرزندی داشته باشد، پس چنانچه نداشته باشد، از اصول ارث نمی‌برد و از قیمت آنها ارث می‌برد.^۲

شیخ طوسی می‌گوید، که ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه این خبر را تأویل کرده و گفته‌اند:

زنان در صورت فرزند نداشتن از اشیای مذکور چیزی نمی‌برند، پس چنانچه فرزندی داشته باشند، از همه چیز ارث می‌برند.^۳

محرومیت زوجه از عین رباع و ارث بردن از قیمت آن

رباع عبارت است از خانه و زمین مسکونی.

بر اساس روایات و نظر فقها زوجه از رباع یعنی زمین مسکونی ارث نمی‌برد.

شیخ مفید می‌فرماید: زوجه از ارث رباع یعنی خانه‌ها و منازل محروم است نه باغ‌ها و اراضی کشاورزی^۴ سید مرتضی علم‌الهدی معتقد است که زوجه از عین زمین و عرصه خانه محروم است ولی چنانچه آن را قیمت‌گذاری کنند، زن حصه‌اش را از قیمت آن می‌گیرد.^۵

بر این اساس زن از عین سایر اموال منقول و غیرمنقول ارث می‌برد. شیخ طوسی باغ‌ها و مزارع را نیز به رباع ملحق کرده و (در کتاب نهاییه ص ۶۴۲) معتقد است که این در صورتی است که زوجه، فرزندی از میت نداشته باشد. اما اگر از او دارای فرزند است حق او از همه ضیاع و عقار و خانه‌ها و منازل داده می‌شود پس وی از طرفی حکم محرومیت را به زوجه بی‌فرزند اختصاص داده‌اند و از طرف دیگر آن را به همه اراضی تعمیم داده‌اند.

ولی شیخ مفید و سید مرتضی (در انتصار ص ۵۸۵) حکم محرومیت را به رباع اختصاص داده و زوجه بی‌فرزند را از آن استثنا نکرده‌اند.

مدرك این حکم ظاهراً در روایت زراره از امام باقر(ع) آمده:

ان النساء لا يرثن من الدور ولا من الضياع شيئاً الا ان يكون أحدث بناءً فيرثن ذلك البناء^۶
زنان از خانه‌ها و مزارع هیچ ارث نمی‌برند، مگر آنکه ساختمانی احداث شده باشد، در این صورت از آن

۱. سید محمد موسوی یجنوردی - مقاله ارث زن از شوهر، ص ۸-۹.

۲. الفقيه من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۵۲.

۳. الانتصار، ج ۴، ص ۱۵۵.

۴. المقننه، ص ۶۸۷.

۵. الانتصار، ص ۳۰۱.

۶. وسائل الشيعه، ج ۲۶، ص ۲۱۰.



ساختمان ارث می‌برند.

روایت از امام صادق (ع) نقل شده: سألت عن النساء مالهن من الميراث؟ قال (ع): لهن قيمة الطوب و البناء والخشب و القصب، فأما الارض و العقارات فلا ميراث لهن فيه...^۱ از امام صادق (ع) پرسیدم (میسر): زنان چه میراث دارند؟ فرمود: قیمت آجر و ساختمان و چوب و نی برای آنهاست، اما از زمین و عقار میراثی ندارند...

در صحیح‌ه احوال از امام صادق (ع) آمده است:

سمعتُه یقول: لا يرثن النساء من العقار شيئاً، و لهن قيمة البناء و الشجر و النخل^۲
زنان از عقار هیچ ارث نمی‌برند، قیمت ساختمان و درختان برای آنان است. به نظر می‌رسد عقار مطلق زمین باشد نه منازل به تنهایی.

مشهور فقها و شیخ طوسی ظاهراً به استناد این عمومات حکم به تعمیم محرومیت زوجه از سایر زمین‌ها کرده‌اند.

دلیل سید مرتضی علم‌الهدی بر این قول چنین مطرح شده که ایشان این مسئله را جاری مجرای مسئله حیوه می‌داند و آنچنان که می‌دانیم، این است که برخی از اموال متوفی مانند مصحف، شمشیر و انگشتری به پسر بزرگ او می‌رسد. طبق ظاهر آیه قرآن که در آیه ۱۱ سوره نساء سهم اولاد ذکور را دو برابر اناث معرفی نموده است، این سهم از همه اموال متوفی است.

حال چنانچه این اشیای مورث را که از اموال او محسوب می‌شده به پسر بزرگتر اختصاص دهیم و قیمت آن را بر او حساب نکنیم، این ظاهر قرآنی حفظ و رعایت نشده است.

از طرفی اصحاب هم بر این مسئله اجماع نموده‌اند که این اشیا بدون احتساب قیمت از مختصات پسر بزرگتر است، بلکه اخبار بدون اینکه تصریحی به احتساب قیمت حیوه یا عدم احتساب آن بر پسر بزرگتر نمایند، این اشیا را از چیزهایی بر شمرده‌اند که به او تعلق می‌گیرد.

حال چنانچه قیمت آن اشیا را حساب نموده و از سهم الارث پسر کم بگذاریم و به سایر ورثه بدهیم، هم ظواهر قرآن را حفظ کرده‌ایم.

و هم به آنچه که اصحاب بر آن اجماع نموده‌اند، عمل کرده‌ایم. همین معنی در مورد ارث زوجه نیز پیاده می‌شود.

چرا که از طرفی آیه ارث دلالت بر این دارد که زوج و زوجه در ارث بردن از همه اموال مورث مشترکند و از طرفی اجماعی هم بر اینکه زوجه از عین و قیمت زمین محروم باشد، وجود ندارد و اجماع صرفاً بر این منعقد شده است که زن به طور اجمالی از زمین خانه و مسکن مورث سهمی نمی‌برد. با نظر به برخی روایات وارده در این باب، ملاحظه می‌کنیم که حکمت این حرمان اجمالی از خانه این است که چه بسا، زن با مردی که همسر سابقش حسادت و یا رقابت می‌ورزیده، ازدواج کند و این‌گونه

۱. همان، ص ۲۰۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۱۱.



مرد اجنبی را داخل خانه متوقی نماید و این بر قوم شوهر سابق، سنگین است بنابراین در مقام جمع می‌توان گفت که برای حفظ ظاهر قرآن و این اجماع و اخبار، زن از عین زمین و خانه محروم است ولی قیمتش را به او می‌پردازند.

برخی این نوع جمع را جمع تبرعی شمرده و آن را قابل تخصیص زدن عمومات نمی‌دانند و آن را جمعی می‌دانند که شاهی بر آن نیست.^۱

از طرفی نظراتی است مبنی بر محرومیت مطلق زن از زمین، و زن را فقط مستحق قیمت ساختمان و آلات و مصالح آن دانسته و از همین معلوم می‌شود که محرومیت از زمین شامل عین و قیمت آن می‌شود.^۲

با در نظر گرفتن روایت ابن ابی یعفر (... عن ابی عبدالله(ع) فقال یرئها و ترئها (من) کل شیء ترک و ترکت.^۳

و روایت نقل شده از ابن ابی عمیر عن ابن اُذینه: فی النساء اذا کان لهن ولد أعطین من الرباع.^۴ و با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی اخلاق در احکام اسلام و لحاظ احتیاط، زن از همه چیز ارث می‌برد فقط از عین زمین و خانه مسکونی زوج محروم است ولی قیمت آن به وی داده می‌شود. از میان فقهای متقدم و متأخر برخی هم قائل به محرومیت زوجه از زمین به طور مطلق و عین ابنیه و اشجار هستند.

آنها بر این عقیده‌اند که زوجه از عین و قیمت هرگونه زمینی محروم است و از آن ارثی نمی‌برد همچنین از عین مصالح، ابزار و آلاتی که در ساختمان به کار گرفته شده و از عین بناء و درخت به او چیزی تعلق نمی‌گیرد اما آنها قیمت‌گذاری می‌شود و حصه ارث زوجه از قیمت آنها به او پرداخت می‌شود.

این قول مشهور از جمله شهید اول - علامه - شهید ثانی - نجفی - میرزای قمی و امام خمینی می‌باشد.

برخی هم قائل به این هستند که زوجه از عین و قیمت هرگونه زمینی و همچنین از عین بنا و ساختمان محروم بوده ولی از قیمت آن سهم می‌برد و از عین درختان مورث ممنوعیتی ندارد. دو قول مطرح شده شبیه هم می‌باشد با این فرق که قول دوم زوجه را برخلاف مشهور از عین درخت ممنوع نمی‌داند، این نظر ابن حمزه - شیخ طوسی - قاضی ابن براج و ... می‌باشد.

حکم به محرومیت زوجه از عقار و زمین با آنکه مخالف ظاهر آیات قرآن کریم و روایات بسیاری است که ظهور در ارث بردن زوجه از همه ترکه دارند و نیز برخلاف عمل خارجی مسلمانان در طول

۱. [سید محمد بجنوردی - مقاله ارث زن از شوهر ص ۱۷ - (جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۱۵)].

۲. شهید ثانی، رساله میراث زوجه، ص ۲۶۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۱۳.

۴. همان.



زمان پیامبر (ص) و خلفا و امیرالمؤمنین (ع) بوده و حتی نزد اصحاب و پیروان مکتب امیرالمؤمنین (ع) تا عهد امام باقر (ع) و امام صادق (ع) معهود نبوده است و فقط در روایات صادره از دو امام باقر و صادق علیهما السلام بر آن اصرار شده است. خود همین اصرار، یک عامل ارتکازی دور سازنده‌ای است که مانع از اطلاق عنوان عقار و زمین در غیر از قدر متیقن است. شاید این قدر متیقن در ذهن راویان این احادیث از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز وجود داشته و نزد آنان به مثابه قرینه متصله و ارتکازی بر عدم اطلاق بوده است، چنین قرینه ارتکازی را نمی‌توان با اصل عدم قرینه، نفی کرده از طرفی در بیشتر روایات تعبیر رباع یا تره دار - عقارالدور - الدور العقار و امثال آن اختصاص به زمین مسکونی و خانه دارد و علت این حکم چنین بیان شده که زوجه شخص بیگانه‌ای را شریک وارثان نکند که میراث آنان را تباہ سازد، این تعلیل نیز با رباع و منازل مسکونی مناسبت دارد نه با بوستان‌ها و مزارع که همانند دیگر اموال است و می‌توان آنها را میان زوجه و دیگر وارثان تقسیم کرد.

بر همین پایه نیز حق زوجه در ساختمان‌ها و خانه‌ها از قیمت قرارداد شده نه از عین. مجموع این خصوصیات که در بیشتر روایات آمده موجب ظهور قوی آنها در رباع و محل مسکونی است و زوجه را از برگزیدن این اموال در قبال سایر ورثه منع می‌کند^۱ ...

کیفیت قیمت‌گذاری ساختمان و درختان^۲

چگونگی قیمت‌گذاری ساختمان و درختان بنا بر محرومیت زوجه از ارث عین و قیمت زمین، مورد اختلاف است و چنانکه در جواهر آمده چند قول در این مسئله وجود دارد:

۱- ساختمان و درختان مثل اموال منقول فرض شده که مانند آنها در زمین اجرت دارد با این فرض قیمت‌گذاری شده و ربع یا ثمن آنها به زوجه داده می‌شود.

۲- ساختمان و درختان، در زمین ثابت فرض شده که مانند آنها در زمین اجرت ندارد یعنی استحقاق ماندن در زمین را دارند، سپس با این فرض قیمت‌گذاری شده و سهم زوجه پرداخت می‌شود.

۳- زمین خالی از ساختمان و درختان قیمت‌گذاری می‌شود، سپس زمین با ساختمان و درختان قیمت‌گذاری شده و از تفاوت دو قیمت، سهم زوجه داده می‌شود.

مبنای قول اول آن است که چون زوجه از زمین ارث نمی‌برد، پس ساختمان در ملک او نیست، بنابراین، ماندن آنها در زمین اجاره دارد و بدین ترتیب میان دو حق جمع می‌شود.

صاحب جواهر این قول را رد کرده به این دلیل که خلاف ظاهر روایات خصوصاً روایاتی است که مشتمل بر ارث زوجه از ساختمان و قیمت آن است و از این روایات معلوم می‌شود که قیمت‌گذاری ابزار و مصالح بدون ترکیب و هیئت ساختمانی آنها که بسا ممکن است از تعبیر «قیمه الخشب و الجزوع و

۱. سید محمود هاشمی شاهرودی - مقاله میراث زوجه (۲)، ص ۹-۱۰.

۲. همان، ص ۲۷.



بنابر قول اول مبنی بر عدم استحقاق زوجه در بقای مجانی و بدون اجاره ساختمان بر زمین، آیت‌الله حکیم می‌گوید: کیفیت قیمت‌گذاری چنین است که ساختمان از اموال منقول فرض شده و بر این فرض قیمت‌گذاری شود، آن‌گاه زوجه مستحق ربع یا ثمن قیمت آن خواهد بود.^۲

صاحب جواهر، و امام خمینی در تحریرالوسیله و بسیاری از فقها قول دوم را پذیرفته‌اند. و اما قول سوم، صاحب جواهر این قول را به قول دوم برمی‌گرداند سپس آن را رد کرده می‌گوید: ممکن است قیمت زمین با ملاحظه وجود درختان در آن افزایش یابد و استحقاق زوجه نسبت به این افزایش با ادله‌ای که بر محرومیت او از عین و قیمت زمین دلالت دارند، منافات دارد، بنابراین بهتر آن‌هاست که در کیفیت قیمت‌گذاری به همان که گفتیم اکتفا شود.^۳

ارث زوجه از حق خیار فسخ زمین

در ارث بردن زوجه از حق خیار اختلاف میان فقها می‌باشد. این اختلاف نظر در دو نکته می‌باشد اینکه آیا زوجه از حق خیار ارث می‌برد یا نه و دیگر در صورت فسخ ورثه یا طرف معامله، آیا زوجه از زمین برگرداند شده یا بهای برگشت داده شده ارث می‌برده علامه حلی می‌فرماید: حق خیار مانند دیگر انواع مال، به نسبت سهم وارثان به ارث برده می‌شود، مگر زوجه بی‌فرزند که در ارث او از خیار فسخ زمین اشکال شده، ولی رأی نزدیک‌تر به واقع آن است که او از حق خیار فسخ زمین، هرگاه مورث زمین را خریده باشد، ارث می‌برد.^۴

صاحب جواهر می‌گوید: از این بحث روشن می‌شود که ارث بردن زوجه بی‌فرزند از خیار در موردی که مورث زمین را با خیار خریده یا فروخته باشد، قوی است، اگرچه علامه حلی در قواعد حق خیار زوجه در مورد زمین فروخته شده را مورد اشکال قرار داد.

در حالی که حق خیار در این مورد به ثمن تعلق گرفته که به سبب ارث به زوجه انتقال یافته و به تبع آن خیار نیز منتقل شده است. هر چند اگر زوجه معامله را فسخ کند از ثمن محروم می‌شود، اما این محرومیت مانع ارث او از اصل خیار نیست. همچنین تابع بودن ارث خیار نسبت به ارث عین نیز اثبات نشده است.

بنابراین در حالت اول (خرید زمین) نیز زوجه می‌تواند معامله را فسخ کند و از بهای زمین ارث ببرد.^۵ آیت‌الله خویی می‌گوید:

اگر عقدی که در آن خیار هست متعلق به مالی باشد که وارث از آن محروم است، مانند حبوه که

۱. جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۱۶.

۲. منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۴۰۷.

۳. جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۱۶.

۴. قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۶۸.

۵. جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۷۷.



مختص پسر بزرگتر است، یا زمین که زوجه از آن ارث نمی‌برد، در محرومیت یا عدم محرومیت این وارث از حق خیار چند قول هست که نزدیک‌ترین آنها به واقع عدم محرومیت او از خیار است. خیار برای همه وارثان است، اگر مورث زمینی را با خیار فروخته یا خریده باشد، زوجه نیز همانند سایر ورثه از خیار ارث می‌برد.^۱

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

اگر خیار به مال خاصی تعلق گیرد که بعضی از ورثه از آن محرومند مانند زمین نسبت به زوجه و جبهه نسبت به غیر فرزند بزرگتر، وارثی که از ارث عین این اموال محروم است از ارث خیار متعلق به آنها محروم نمی‌شود مطلقاً.^۲

پس دلیلی ندارد که خیار را حقی تابع زمین قرار دهیم تا گفته شود زوجه نمی‌تواند از آن ارث ببرد، بلکه خیار حقی است در باز گرداندن ثمن، و زوجه از ثمن ارث می‌برد.

در پایان مقاله با توجه به اجماعی که در باب حرمان فی‌الجمله زوجه از ترکه زوج وجود دارد بنا بر احتیاط و با رجوع دوباره به روایات این باب و تأمل در آنها، در می‌یابیم که محرومیت زوجه از عین خانه و منزل مسکونی، احتمالاً قدر متیقن و مسلم از حرمان است.

و زن صرفاً از عین خانه شوهر محروم می‌شود و باید قیمت زمین خانه به وی داده شود. و در جایی که روایات مغایر با ظاهر قرآن باشند و نمی‌توان از روایات چشم‌پوشی کرد، باید به قدر متیقن از روایات بسنده کرد تا ظاهر قرآنی تا حد امکان حفظ شود.

البته که برخی روایات پیرامون محرومیت زوجه از بعض ترکه صحیحه نمی‌باشند و حتی برخی ضعیف هستند مانند روایت یزید صائغ از امام باقر (ع) شنید که فرمود: زنان از زمین خانه چیزی ارث نمی‌برند ولی از قیمت آجر و چوب حصه دارند، عرض کردم: مردم این را به کار نمی‌بندند پس فرمود؛ هنگامی که حکومت به دست اما افتد، آنها را با تازیانه می‌زنیم تا بپذیرند و اگر نپذیرند، با شمشیر.

که این روایت از نظر شهید ثانی (در مسالک الافهام ج ۲ ص ۳۶۸) ضعیف شمرده شده.

مطالب دیگر اینکه محرومیت زوجه به دلیل اینکه زن بعد از فوت شوهر ازدواج کند با مردی و... این مورد در مردان نیز پیش می‌آید که پس از فوت همسرشان با زن دیگری ازدواج کنند و ایشان ممکن است موجب آزار و اذیت ورثه و خانواده متوفی باشد.

و در نهایت با توجه به شرایط و مقتضیات زمان و عرف جامعه کنونی، موقعیت زن و جایگاه او در زمان نقل روایات با جایگاه زن در زمان حال بسیار متفاوت می‌باشد و حتماً جای بحث دارد که عمل به نص صریح قرآن پیرامون ارث زوجین از زمان نزول آیه و زمان پیامبر (ص) و حکومت خلفا و در زمان حکومت امام علی علیه‌السلام و ائمه اطهار ادامه داشت تا زمان بزرگواران امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، و از آن به بعد حرمان فی‌الجمله زوجه مطرح شد.

۱. منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۴۲.

۲. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۸۲.



بررسی حقوقی ارث زن از شوهر

بر طبق ماده ۱۴۰ قانون مدنی، ارث از جمله اسباب تملک است که در توارث زوجین با شرایط خاص برقرار می‌شود.

۱- عقد نکاح دائم - ماده ۹۴۰ قانون مدنی «زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشد از یکدیگر ارث می‌برند».

۲- فوت در زمان زوجیت واقع شود، ماده ۸۶۴ قانون مدنی، از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد.

سهم‌الارث زوج: در صورتی که زوجه بمیرد و اولاد یا اولادِ اولاد داشته باشد سهم زوج یک‌چهارم از تمام ترکه متوفی است ولی اگر اولاد یا اولادِ اولاد نداشته باشد سهم او نصف ترکه خواهد بود و مابقی بین سایر ورثه زوجه حسب مقررات ارث تقسیم خواهد شد. در صورتی که زوجه بمیرد و وارثی جز زوج نداشته باشد، تمامی ارث او به همسرش خواهد رسید.

سهم‌الارث زوجه: چنانچه زوج بمیرد و اولاد و یا اولادِ اولاد داشته باشد، سهم زوجه از اموال همسرش یک‌هشتم از اموال منقول و بهای اعیانی غیرمنقول است.

ماده ۹۴۶ قانون مدنی زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد، لیکن زوجه فقط از اموال ذیل:

۱- از اموال منقوله، از هر قبیل که باشد،

۲- از ابنیه و اشجار

«ماده ۱۹ قانون مدنی اموال منقول را این‌گونه تعریف کرده: اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد، بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۱۳۸۷ با اصلاح ماده ۹۴۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ مقرر کردند زوج از تمام اموال زوجه ارث ببرد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج یک‌هشتم از عین اموال منقول و یک‌هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث ببرد.

در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد، سهم زوجه یک‌چهارم از کلیه اموال به ترتیبی که گفته شد، خواهد بود.

همچنین نمایندگان با اصلاح ماده ۹۴۸ این قانون مقرر کردند هرگاه ورثه از ادای قیمت امتناع کنند زن می‌تواند حق خود را از عین اموال استیفا کند همچنین نمایندگان ماده ۹۴۷ این قانون را حذف کردند.

البته این اصلاح قانون پس از استفتاء از رهبر معظم انقلاب و دریافت نظر ایشان^۱ به تصویب رسید. همچنین در متون فقهی آمده است که در صورتی که زوج اولاد یا اولادِ اولاد نداشته باشد، سهم زوجه یک‌چهارم از اموال مذکور است و مابقی بین سایر ورثه تقسیم می‌شود و در صورتی که وارث دیگری

۱. ایشان فرمودند: اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد زن از کلیه اموال منقول و غیرمنقول و عرصه و اعیان وی ارث می‌برد.



برای زوج نباشد نصیبی بیش از یک‌چهارم اموال او به زوجه نمی‌رسد و مابقی مانند ترکه بلاوارث متعلق به بیت‌المال است.

ماده ۹۴۹ قانون مدنی: در صورت نبودن هیچ وارث دیگری به غیر از زوج یا زوجه، شوهر تمام ترکه زن متوفی خود را می‌برد، لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود.

ماده ۸۶۶ قانون مدنی: در صورت نبودن وارث، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است. و چنانچه مرد دو یا چند زوجه دائم داشته باشد در صورت فوت، همان یک‌هشتم یا یک‌چهارم که به یک زن تعلق می‌گیرد بین همه زوجات تقسیم می‌شود.

ماده ۹۴۲ قانون مدنی، در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه آنها بالسویه تقسیم می‌شود.



شهرت‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادریس حلی. السرائر - CD
۳. ابن براج طرابلسی. المذهب - CD
۴. ابن حمزه. الوسیله الی نیل الفضیله
۵. ابن قدامه. المغنی. بیروت (بی تا)
۶. اراکی. محمد علی، رسالتان فی الارث و نفقه الزوجه
۷. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله. قم انتشارات دارالعلم
۸. بجنوردی، سید محمد موسوی، مقاله، ارث زن از شوهر
۹. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت - دار احیاء التراث العربی
۱۰. حسینی عاملی، سید محمد جواد. مفتاح الکرامه شرح قواعد العلامه. دار الاحیاء التراث العربی (بی تا)
۱۱. حلی، ابوالصلاح. الکافی فی الفقه.
۱۲. حلی، یحیی بن سعید. الجامع للشرایع. بیروت. دارالاضواء؛ چاپ سوم
۱۳. خوانساری، سید احمد. جامع المدارک
۱۴. خویی - ابوالقاسم - منهاج الصالحین - مطبعه العلمیه، مدینه العلم، قم، چاپ ۲۸، ۱۴۱۰ ق. سیدمرتضی. الانتصار.
۱۵. شهید اول. الدروس
۱۶. شهید ثانی. رساله فی میراث الزوجه
۱۷. شهید ثانی. مسالك الاقهارم
۱۸. شهید ثانی. شرح المعه - ترجمه علی شیروانی - مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم - ۳۱ - ۱۳۸۴
۱۹. شیخ صدوق. الفقیه من لا یحضره الفقیه - مصحح: حسن موسوی خراسانی - دار صعب و... بیروت ۱۴۰۱ ق.
۲۰. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه - تهران انتشارات مکتب المرتضویه، چاپ دوم
۲۱. الاستبصار.
۲۲. الخلاف.
۲۳. النهایه
۲۴. تهذیب الاحکام
۲۵. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب. الفروع من الکافی
۲۶. الکافی - ۸ جلد، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. شیخ مفید المقننه
۲۸. طباطبایی حکیم، سید محسن. منهاج الصالحین
۲۹. علامه حلی، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان. قم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۳۰. قواعد الاحکام
۳۱. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، محقق. مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، چاپ مکتب الاعلام الاسلامی - چاپ اول ۱۴۱۲ ق.
۳۲. محقق حلی. المختصر النافع فی فقه الامامیه
۳۳. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام - با تعلیقات صادق شیرازی - انتشارات استقلال - بی تا مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه. (۱۴۰۲ ق) چاپ هفتم.
۳۴. مقدس اردبیلی، شیخ ملا احمد. جمع الفائده و البرهان
۳۵. میرزای قمی. جامع الشتات
۳۶. نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام

سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۷





شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی فقهی و حقوقی ارث زن از شوهر





پڙو، شكاو ڪاؤ علوم انساني و مطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی

Abstracts

